

پاسخی به

نیازهای مودبیان

جلسه نقد و بررسی کتاب «طنزآوران جهان نمایش» برگزار شد.

داریوش مودبیان، چهره نام‌آشنایی در زمینه هنرهای نمایشی است و در چند شاخه این عرصه تبحر دارد. در سال‌های دورتر او را به‌عنوان بازیگر در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی مثل یک مرد یک خرس و پاییز صحرای می‌دیدیم. مودبیان همچنین به‌عنوان نویسنده فیلمنامه و کارگردان مجموعه‌های تلویزیونی و تله‌تئاترها آثار خوبی خلق کرد؛ از فیلمنامه بوی پیراهن یوسف تا مش خیرا... صندوقچه اسرار و پرده عجایب. او به‌جز سینما و تلویزیون، همیشه یک پایش در تئاتر بوده؛ چه به‌عنوان بازیگر، کارگردان، مترجم و محقق. کتاب طنزآوران جهان نوشته دیوید مامت با ترجمه او، یکی از آثار این هنرمند است که به‌تازگی در پنجمین جلسه نقد کتاب، به‌صورت مجازی نقد و بررسی شد.

به‌گزارش پیام‌جم، در این برنامه که به‌همت معاونت پژوهشی دانشگاه سوره و با همکاری دانشکده هنر و به‌میزبانی رامین شهبازی و با حضور مودبیان و همراهی اصغر نوری منتقد کتاب و جمعی از استادان و دانشجویان علاقه‌مند برگزار شد، «طنزآوران جهان» در یوته‌نقد قرار گرفت.

دیوید مامت، نویسنده این کتاب، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس، کارگردان، تهیه‌کننده تئاتر و سینما، نظریه‌پرداز و نمایشنامه‌نویس از نامدارترین چهره‌های تئاتر و سینمای نوین آمریکاست. در طنزآوران جهان نمایش با عرضه دو نمایشنامه از دیوید مامت، با گونه و مفهومی دیگر از کمدی و داستان‌گویی آشنا می‌شویم.

داریوش مودبیان در پاسخ به این سوال که با چه هدف و در پاسخ به چه نیاز و مخاطبانی این مجموعه را ترجمه کرده است، گفت: **من** در سال ۱۳۴۸ کار ترجمه را شروع کردم و در ابتدا این کار را برای پاسخ به نیازهای خودم برای نمایشنامه‌های رادیویی و تلویزیونی انجام دادم و در آن ایام به این فکر افتادم که نمایشنامه‌های کمدی را جمع‌آوری و به ترجمه آنها بپردازم و همه اطلاعاتی که در این زمینه دارم را به صورت پژوهشی روی نمایشنامه‌ها کار کنم.

او افزود: در سال ۱۳۶۰ ابتدا به ترجمه کارهای کوتاه پرداختم تا به درد دانشجویان بخورد و بر صحنه اجرا رود و همین‌طور امری شدنی و قابل دسترس باشد؛ در سال‌های دهه ۷۰ نیز به این فکر افتادم تا مجموعه طنزآوران را معرفی کنم و این امر مقدمه‌ای شد تا در سال‌های ۷۰ و ۷۴ چاپ مجموعه طنزآوران جهان نمایش را شروع کردم و در دی ماه ۹۷ نیز شماره‌های جدید این مجموعه را به چاپ رساندم.

مودبیان بابیان این نکته که تمامی آثار ترجمه شده‌اش پژوهشی است، گفت: روی آثار ترجمه شده باید پژوهش انجام شود چرا که باید از صافی وجود آدمی رد شود و نباید مستقیم هر

آنچه نقل شده را ترجمه کنیم و نیز باید خودمان را بیازماییم و درباره اثر به پژوهش بپردازیم تا دانشجویان و علاقه‌مندان بتوانند با داستان و نحوه اقتباس بیشتر آشنا شوند و خودشان را بیازمایند.



«در مسیر تو» وارد بازار کتاب شد

رمان در مسیر تو نوشته مرضیه نوری وارد بازار کتاب شد. این کتاب که نشر علی آن را منتشر کرده درباره بخشش و تأثیر تصمیمات افراد بر زندگی آنهاست. در خلاصه داستان این کتاب آمده است: بابک خطایی کرده به قیمت از دست رفتن آبروی سه خاندان و پیش از آن‌که تشنه رسوایی بر زمین بیفتد، فتح... میانجیگری می‌کند. پدرها در اوج درگیری قضیه را بی‌صدا جمع می‌کنند اما هیچ‌کس از آینده خبر ندارد. / جام‌جم‌دیلی

بعد از جنجال درباره مجسمه‌های مفاخر در خانه هنرمندان بررسی کرده‌ایم که چرا مجسمه‌های نازیبا سر از فضا‌های شهری در می‌آورند؟

سمبل سازی یا سَمبَل سازی؟



آذر مهجار

ادبیات و هنر

آیا با بحران مجسمه‌سازی در کشور روبه‌رو هستیم؟ این سردیس‌های غیرقابل شناسایی از مفاخر کشور چطور به معابر و مکان‌های شهری راه پیدا کرده‌اند؟ ماجرای سردیس‌های نه چندان شبیه به مفاخر، از یکی دو سال پیش سر زبان‌ها افتاده و نقل محافل خبری و البته لطیفه‌سازی بوده، حالا بار دیگر این ماجرا با نصب ۲۲ سردیس از مفاخر هنری کشورمان در پارک هنرمندان ایران داغ شده و یکی از اولین معترضان به آنها علی اعطا بوده که دانش آموخته رشته معماری دانشکده در هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و البته عضو شورای شهر تهران.

در این آشفتگی عده‌ای از بی‌توجهی به مجسمه‌سازی حرف می‌زنند و پای روایت‌های تاریخی را وسط می‌کشند، برخی هم به توان و سلیقه هنرمندان مجسمه‌ساز شک می‌کنند، اما از انبوه دانش آموختگانی که در انواع دانشگاه‌های سراسری، آزاد و علمی-کاربردی و... در رشته مجسمه‌سازی تحصیل می‌کنند یا حتی از میان هنرمندان خودآموخته، کسی یا کسانی را نمی‌توان یافت که سردیس‌هایی شبیه به مفاخر کشورمان بسازند طوری که هر سردیس در اولین نگاه یادآور و تداعی‌کننده تصویری باشد که از این مفاخر در ذهن داریم؟ جواب این سؤال روشن است و در نتیجه بعید است مساله به جای خالی استادانی چون ابوالحسن صدیقی و علی اکبر صنعتی مربوط باشد. ماجرا هر چه هست به سفارش ساخت مجسمه برمی‌گردد یا به انتخاب و نظارت و نصب سردیس‌ها در فضا‌های شهری، می‌گویید نه؟ این گزارش را بخوانید.

سردیس‌های ناشناس از افراد سرشناس

تعداد سردیس‌هایی که یکی دو سال اخیر از مفاخر کشور ساخته و در شهر تهران نصب شده، اما غیرقابل شناسایی هستند به قدری هست که می‌شود از آن یک مسابقه تلویزیونی ساخت.

مفاخر خانه هنرمندان

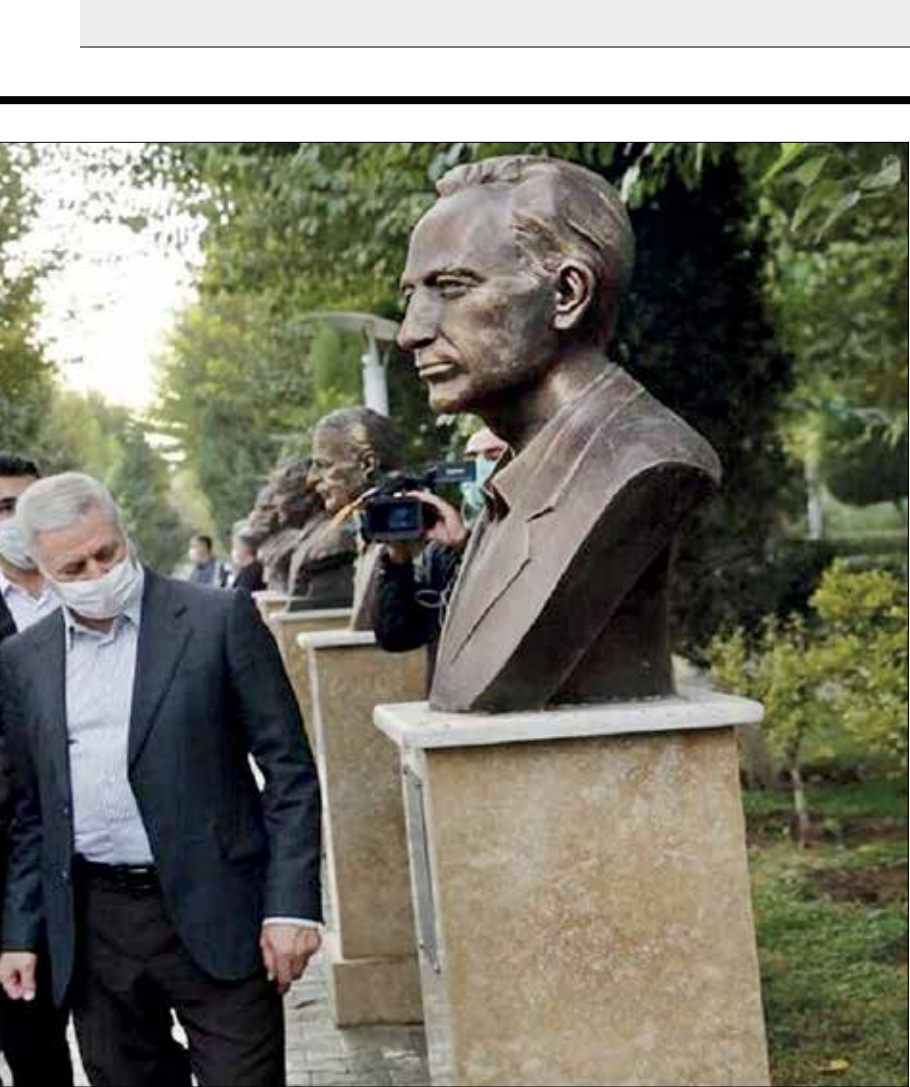
آبان امسال ۲۲ سردیس در پارک هنرمندان نصب و رونمایی شد که از میان آنها شاید سردیس جمیله شیخی به او شبیه باشد و یکی دو مورد دیگر. شناسایی تقریباً ۲۰ سردیس برای مردمی که از این مکان عبور می‌کنند، حتی برای علاقه‌مندان به هنر و فعالان این عرصه هم دشوار است چه رسد به تمام مردم شهر. این سردیس‌ها از جنس فایبرگلاس و برگرفته از چهره‌های هنرمندانی چون عباس کیارستمی، علی حاتمی، علی نصیریان، داوود رشیدی، پرویز فنی‌زاده، جمیله شیخی، پرویز تناولی، مجید انتظامی، محمدکریم پیرنیا، محمدعلی کشاورز، جواد حمیدی، قباد شیوا، عربعلی شروه،

سید هادی میرمیران، ابراهیم حقیقی، هوشنگ کاظمی، سیدحسن میرخانی، پرویز کلانتری، محمد بهرامی، رضا مافی، حسن اسماعیل‌زاده و احمد عالی است.

این مجسمه‌ها واکنش‌های زیادی در پی داشت؛ از اعتراض علی اعطا عضو شورای شهر تا پرسش همسر داوود رشیدی درباره این‌که بر چه اساسی ساخت این سردیس‌ها به افراد سفارش داده می‌شود و البته واکنش علی‌نصیریان مبنی بر این‌که سردیس‌ها باید خصوصیات و شخصیت افراد را منعکس کنند نه این‌که فقط شبیه یا نزدیک به چهره فرد مورد نظر باشد.

البته این روزها سردیس عباس کیارستمی از این مجموعه برداشته شده؛ چون انتقادهای زیادی به آن وارد شد، به‌خصوص از این بابت که از عینک این فیلمساز به عنوان وجه بارز و مشخصه اصلی چهره و شخصیت او روی سردیس خبری نبود. گویا سردیس را برداشته‌اند که این مورد اصلاح شود.

درگذشت یک استاد



سردار قاسم سلیمانی

سردیس سردار سلیمانی در محوطه تالار وحدت، خیلی‌ها را به تردید می‌اندازد. با آن‌که سردار را همه مردم ایران به چهره می‌شناسند. نکته اینجاست که سردیس مذکور یکی از بهترین نمونه‌هاست و طی تقریباً یک سالی که از شهادت سردار می‌گذرد، تعداد زیادی مجسمه و سردیس در تهران و شهرهای دیگر ایران ساخته شده که برخی به دلیل عدم رعایت تناسبات، که شرط اول هر مجسمه‌ای است، از مکان‌های عمومی برداشته شدند.



جمشید مشایخی

اردیبهشت پارسال سردیس جمشید مشایخی ابتدای خیابانی که به نام استاد نامگذاری شده بود، رونمایی شد. واکنش‌ها به حدی بود که آن را برداشتند و به کارگاه بردند. سردیس استاد مشایخی بعد از اصلاح دوباره نصب شد.



مرتضی ممیز

شهریور امسال در بزرگداشت استاد ممیز، سردیس او در ضلع شرقی خانه‌هنرمندان رونمایی شد؛ اما به نظر می‌رسد این یکی همچنان که باید شبیه استاد ممیز نیست، هر چند به اندازه بقیه سردیس‌ها واکنش منفی ایجاد نکرد.



علامه جعفری

سردیس علامه جعفری در بوستان گفت‌وگو هم یکی از سردیس‌های بحث برانگیز شهر تهران در یکی دو سال اخیر بود.



شهید املاکی

این یکی در شهر لنگرود اتفاق افتاده است. سردیسی از شهید املاکی که به نظر می‌رسد مشق یک هنرآموز رشته مجسمه‌سازی در شهر نصب شده و به نمایش درآمده است.

دلال بازی و هنر ناشناسی

بهترین ماکت را از نظر شباهت و تناسبات و سایر شاخص‌های هنری انتخاب‌کنند.

۴- دلال بازی ساخت مجسمه را تحت تأثیر قرار داده است. شهرداری‌ها وقتی برای یک کار قرارداد می‌بندند، فرآیند اداری بسیار دشوار و طولانی را پیش روی هنرمند می‌گذارند و هنرمند برای به‌دست آوردن پولش به حدی دچار دردسر می‌شود که چاره‌ای نمی‌بیند جز آن‌که پیشنهاد دلال‌ها را بپذیرد. به این ترتیب که ترجیح می‌دهد نصف مبلغ قرارداد را دریافت کند، اما کارهای اداری را دلال انجام بدهد. در چنین فرآیندی طبیعی است که دلال بازی عادی می‌شود و آنها نیز عادت ندارند کارشان را لزوماً به هنرمندان باسابقه و کاردان بسپارند. سود دلال در این است که با مجسمه‌سازهای تازه‌کار و بی‌تجربه کار کند که پول کمتری به او بدهد و در عوض در زمان کوتاه‌تری مجسمه را بسازد. مجسمه‌ساز اگر وجدان کاری داشته باشد، پول را کنار می‌گذارد و کارش را حتی اگر ضرر هم بکند به خوبی انجام می‌دهد. البته متأسفانه این افراد تعدادشان خیلی کم است. به‌رحال مجسمه‌سازان هم در همین جامعه زندگی می‌کنند، خانواده دارند و با مشکلات اقتصادی دست به‌گریبان هستند.

۵. به‌رحال مجسمه‌ساز هم خانواده دارد و مجبور است زودتر کار را تمام کند و این باعث می‌شود کار هنری مناسبی ساخته نشود.

سردیس‌هایی که به تازگی ساخته و نصب می‌شوند انتقاد برانگیزند، به‌خصوص چند مورد از آثاری که از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که اسباب تأسف هستند، اما بی‌کیفیت و غیرقابل شناسایی بودن سردیس‌های شهری صرفاً به ناتوانی هنرمندان مرتبط نیست بلکه به چند گلوگاه مهم در روند سفارش و ساخت

مجسمه‌های شهری بر می‌گردند که هر کدام به طور مستقیم و غیر مستقیم بر نتیجه کار و مجسمه ساخته شده تأثیر می‌گذارد.

۱- ساخت مجسمه‌ها را به هنرمندان خوب و حرفه‌ای سفارش نمی‌دهند. این آثار را به کسانی سفارش می‌دهند که استعداد کمتری دارند و هزینه کمی دریافت می‌کنند. مجسمه‌سازی کار سختی است و هر کسی از پس آن بر نمی‌آید در نتیجه هر کسی نمی‌تواند اثری قابل قبول خلق کند.

۲- مجسمه‌سازی هنری است که خلق یک اثر برجسته در آن به زمان زیادی نیاز دارد. مجسمه سازان خوب برای انجام کار مناسب به زمان کافی نیاز دارند. در گذشته وقتی یکی مسابقه مجسمه‌سازی برگزار

می‌شد، حداقل ۴۵ روز برای ساخت ماکت اولیه در نظر می‌گرفتند.

۳- کمیتة زیباسازی که کار انتخاب آثار را به عهده دارد باید از افرادی تشکیل شده باشد که با هنر مجسمه سازی آشنا باشند و بتوانند

خبر از نوشته شدن فیلمنامه ای جذاب برای قسمت دوم آن داده بودند. آن زمان این خبر انعکاس وسیعی نداشت و بعید به نظر می‌رسد منظور این دو بازیگر، همان طرحی باشد که ونیس درباره اش حرف می‌زند. عروسی خراب کن ها داستان دو جوان بود که برای خوردن غذای مجانی به عروسی‌هایی می‌روند که هیچ نسبتی با برگزارکنندگان آنها ندارند. این حضور بزودی باعث در دسرهایی خنده دار برای این دو می‌شود. این کمدی در سال ۲۰۰۵ اکران عمومی شد و توانست با هزینه پائین تولید ۴۰ میلیونی خود، حدود ۲۹۰ میلیون دلار در سطح جهانی فروش کند. ۱۰ میلیون دلار از این رقم، اختصاص به جدول گیشه نمایش سینماهای آمریکای شمالی داشت. منتقدان هم فیلم را پسندیدند و نقدهای مثبتی برایش نوشتند.

برای داستان قسمت دوم پیدا کرده‌اند: «ما برای مدت‌ها خیلی جدی درباره یک داستان جذاب و مقبول صحبت کردیم. همه ما بر این باور بودیم که باید قسمت دوم فیلم ساخته شود. بعد از چند طرح مختلف، بالاخره یکی از آنها مورد تأیید هر سه ما قرار گرفت. این طرح را به تهیه‌کنندگان فیلم ارائه کرد و منتظر جواب آنها هستیم. بعید می‌دانم مخالفتی با آن بکنند. فیلمهایی مثل عروسی خراب کن‌ها از جمله کارهای بانمکی هستند که به دل تماشاگران نمی‌نشینند و آنها، این جور داستان‌های بزن و بکوب و شلوغ را دوست دارند. برای خود ما هم بسیار جذاب است و اهمیت زیادی دارد که بتوانیم با فیلم‌هایمان مردم را خندانده و شاد کنیم.» نکته جالب این جاست که اوایل سال جاری میلادی، ویل فرل و ریچل مک آدامز دو بازیگر مکمل عروسی خراب کن‌ها،

«عروسی خراب کن‌ها» برمی‌گردند

بعد از سال‌ها تأخیر در تولید دومین قسمت «عروسی خراب کن‌ها»، حالا ونیس ون می‌گوید این فیلم در مرحله پیش تولید قرار گرفته و بزودی کار فیلمبرداری آن شروع می‌شود. او که یکی از دو بازیگر اصلی این کمدی اکشن خانوادگی است، زمانی برای شروع کار فیلمبرداری اعلام نکرد. این در حالی

است که هیچ‌یک از تهیه‌کنندگان فیلم در این رابطه صحبتی نکرده‌اند و معلوم نیست صحبت ونیس پایه و اساسی هم دارد یا نه! به گفته ون، او همراه با همبازی اش در این فیلم اوئن ویلسون و دیوید دابکین کارگردان آن، بعد از صحبت‌های بسیار طرح جذابی

کیکا ووس زبازی

سینمای جهان

